

## روش فهم خانواده حدیث؛ مطالعه موردی خانواده حدیثی «ایشان»

جواد سلمان زاده<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۹

### چکیده

فهم حدیث به عنوان دومین منبع استنباط آموزه‌های دینی امری مهم قلمداد می‌شود. در فرآیند فهم حدیث، با مفهومی به نام خانواده حدیث مواجه هستیم که برای برخورداری از ویژگی‌هایی خاص، چون «تعدد»، «تشابه و تناسب موضوعی»، «جامعیت» و... نیازمند فهم و توجه ویژه است. از این رو، لازم است به اقتضای ویژگی‌های خانواده حدیث، روشی ویژه برای فهم آن در نظر گرفته شود. این پژوهش، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، تأمل در ویژگی‌های خانواده حدیث و نسبت‌سنجی میان احادیث هم‌خانواده به یافته‌هایی دست پیدا کرده است که به جهت نتیجه‌بخشی در فهم خانواده حدیث قابل توجه است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که فهم خانواده حدیث از روشی سه مرحله‌ای به دست می‌آید که عبارت‌اند از: «فهم تک تک احادیث»، «فهم بینا حدیثی» و «جمع‌بندی و تحلیل مفاهیم به دست آمده». انجام این مراحل، نه تنها فهم درست، دقیق و جامعی از حدیث به دست می‌دهد؛ بلکه فراتر از آن، سؤال‌ها و مسائل جدید را پاسخی بروز ارائه خواهد کرد. کلیدواژه‌ها: فقه الحدیث، فهم حدیث، فهم بینا حدیثی.

### ۱. بیان مسئله

از مهم‌ترین قواعد در دانش فقه الحدیث، قاعده «خانواده حدیث» است که در فهم درست و دقیق حدیث جایگاهی اجتناب ناپذیر دارد و ضرورتاً در فرآیند فهم حدیث، همواره مورد توجه است. خانواده حدیث به معنای همه احادیث مشابه و مربوط با موضوع یا حدیث مورد نظر است.<sup>۲</sup> اما گردآوری احادیث مشابه و مرتبط، تنها گام نخست در کار با این قاعده

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه حکیم سبزواری (j.salmanzadeh@hsu.ac.ir).

۲. رک: منطق فهم حدیث، ص ۱۴۶؛ فقه الحدیث ۴، ص ۲۱.

است که منجر به تشکیل خانواده حدیث می‌شود. و گام دوم در کار با خانواده حدیث، تلاش برای فهم آن است که فرآیندی گسترده و پیچیده می‌نماید. در این گام است که حدیث، معنای خود و مراد گوینده‌اش را رومی‌نماید و هدایتش را به محدث منتقل می‌سازد. بنابراین، مهم‌ترین گام در کار با خانواده حدیث، فهم خانواده حدیث است که مقتضی طراحی روشی دقیق و کارآمد است. با وجود ارزشمندی و اهمیت بالای فهم خانواده حدیث، تاکنون روشی برای آن طراحی نشده است و خانواده حدیث به روشی غیرنظام‌مند یا ناکامل فهم و تفسیر می‌شده است.

این پژوهش بر آن است تا با استفاده از روش متداول در فهم حدیث و توجه به ویژگی‌های خانواده حدیث، چون ویژگی «تعدد احادیث»، «تشابه و تناسب موضوعی احادیث»، «جامعیت خانواده حدیث» و... روشی نظام‌مند و کارآمد طراحی کند. از آن جا که این روش بر پایه روش متداول فهم حدیث طراحی شده است و ویژگی‌های خانواده حدیث را در نظر گرفته است، می‌توان آن را مبتنی بر همان مبانی و پیش فرض‌های فهم حدیث و خانواده حدیث، چون «برخورداری ائمه علیهم‌السلام از فصاحت و بلاغت زبانی»،<sup>۱</sup> «لزوم بازیابی خانواده حدیث»،<sup>۲</sup> «امکان فهم حدیث»، «ضرورت فهم حدیث»، «تدوین موضوعی خانواده‌ای جوامع حدیثی» و... استوار دانست.

#### ۱-۱. پیشینه

مطالعه آثار پیشین نشان می‌دهد که در زمینه روش فهم خانواده حدیث، تاکنون پژوهشی انجام نشده است و پژوهش‌های انجام شده بیشتر به ماهیت و جایگاه خانواده حدیث در فهم حدیث مرتبط است. برخی از این پژوهش‌ها عبارت‌اند از: روش فهم حدیث، اثر عبدالهادی مسعودی: این کتاب، از اولین درسنامه‌های نوشته شده در زمینه فقه الحدیث است که خانواده حدیث را در فهم حدیث مؤثر دانسته است. در این پژوهش، پس از معرفی خانواده حدیث و اثبات ضرورت و فوائد استفاده از خانواده حدیث، روش تشکیل خانواده حدیث را بیان کرده است؛ بی‌آن که از روش فهم خانواده حدیث سخنی به میان آمده باشد.

منطق فهم حدیث، اثر سیدکاظم طباطبایی: این کتاب نیز بر محور فقه الحدیث پژوهش

۱. فقه الحدیث، ۱، ص ۲۴

۲. منطق فهم حدیث، ص ۱۴۶.

شده است و از خانواده حدیث به عنوان قاعده‌ای فقه الحدیثی یاد کرده است. اما مطالعات این کتاب در حوزه خانواده حدیث محدود به مباحث نظری و روش بازیابی خانواده حدیث است و از روش فهم خانواده حدیث بحث نشده است.

دانش نامه قرآن و حدیث، اثر محمد محمدی ری شهری و همکاران: در این اثر، خانواده‌های حدیثی گوناگون به تفصیل و دقت جمع‌آوری شده‌اند و در ابتدای هر خانواده، تبیین گسترده‌ای از موضوع ارائه می‌شود. اما از روش فهم خانواده حدیثی سخنی به میان نیامده است؛ هر چند عملاً در ابتدای هر خانواده حدیثی، مراحل از روش فهم خانواده حدیث مورد استفاده بوده است.

فقه الحدیث ۱، اثر عبدالهادی مسعودی: در این کتاب، مهم‌ترین مفاهیم و قواعد مربوط به فهم حدیث و شناسایی معنای حدیث، چون «مبانی فقه الحدیث»، «فوائد فقه الحدیث»، «پیشینه فقه الحدیث»، «سیراجمالی فهم حدیث» و «گردآوری قرینه‌های متصل و منفصل» بیان شده است. از جمله قراین متصل و منفصل، خانواده حدیث است که تنها بدان اشاره شده است و توضیحی درباره آن ذکر نشده است. در واقع، این کتاب به سه قاعده مهم فقه الحدیث، اعم از «واژه‌شناسی»، «اصطلاح‌شناسی» و «ساختارشناسی» پرداخته است و فرصتی برای تبیین خانواده حدیث و روش فهم آن نیافته است.

فقه الحدیث ۳، اثر عباس پسندیده: این کتاب، با تمرکز بر خانواده حدیث تألیف شده است و ابعاد و جوانب مختلف آن را بررسی کرده است؛ به عنوان مثال، شیوه تشکیل خانواده حدیث در این کتاب به طور مفصل توضیح داده شده است، اما روشی جامع برای فهم خانواده در آن پیدا نشد؛ اگرچه از عناوین مهمی چون «دسته‌بندی احادیث»، «شناسایی مسائل»، «تعیین اطلاعات هر حدیث» و «دسته‌بندی اطلاعات» یاد کرده است که در روش فهم خانواده حدیث از آن‌ها استفاده می‌شود.

«خانواده حدیث و نقش آن در فقه الحدیث»، اثر مجید معارف: این مقاله پس از تعریف خانواده حدیث، فواید و دستاوردهای خانواده حدیث در فهم حدیث را یادآور شده است و درباره روش فهم خانواده حدیث پژوهشی انجام نداده است.

«نقش خانواده حدیث در فهم متون نهج البلاغه»، اثر مهدی مردانی: در این مقاله، پس از بیان ضرورت تشکیل خانواده حدیث، پیامدهای غفلت از خانواده حدیث را تذکر می‌دهد و سپس فواید بازیابی خانواده حدیث را تبیین می‌کند؛ حال، آن‌که به روش فهم خانواده حدیث

توجهی نشده است.

«توجه به خانواده حدیث در آثار معاصرین»، اثر علی رضا رجیبی: این مقاله دو کتاب «الحیة» و «میزان الحکمة» را به عنوان دو کتابی که بر محور خانواده حدیث تألیف شده اند، معرفی می‌کند، اما از روش فهم خانواده حدیث سخنی به میان نمی‌آورد.

## ۲. مفهوم‌شناسی

در این پژوهش، با سه واژه مهم «روش»، «فهم» و «خانواده حدیث» مواجهیم که معنا و تعریف آن‌ها در ذیل ارائه می‌شود:

### ۱-۲. روش

این واژه در لغت به معنای راه، قاعده و قانون، سبک، رسم و آیین به کار رفته است و در اصطلاح، مجموعه فعالیت‌های عقلانی،<sup>۱</sup> اندیشیده و سازمان یافته،<sup>۲</sup> تدریجی و مرحله به مرحله<sup>۳</sup> که با استفاده از ابزار یا منبع خاص<sup>۴</sup> جهت رسیدن به هدفی<sup>۵</sup> چون حقیقت دانش<sup>۶</sup> یا قدرت<sup>۷</sup> است که با به کارگیری اصول و قواعدی منطقی<sup>۸</sup> و براساس مبانی<sup>۹</sup> انجام می‌گردد.

پس روش را می‌توان شیوه و فرآیند استفاده مرحله به مرحله از منابع و ابزارهایی دانست که در فهم خانواده حدیث دخیل و سهیم هستند. برخی از این منابع و ابزارها عبارت‌اند از: جمله، حدیث، ارتباط میان جملات، ارتباط میان احادیث و ...

### ۲-۲. فهم

فهم در لغت، به معنای دانستن و به دل دریافتن است که نسبت به حفظ ارزش

۱. مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، ص ۲۵.

۲. فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۲۲۳.

۳. فلسفه علم و متدولوژی، ص ۹۱.

۴. درسنامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، ص ۲۲.

۵. همان، ص ۲۱.

۶. لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۳، ص ۲۰۱۵۴.

۷. فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۲۲۳.

۸. قرآن‌شناسی، ج ۲، ص ۱۵۱.

۹. مبانی و روش‌های تفسیر قرآن کریم، ص ۱۴.

والا تری برخوردار است.<sup>۱</sup> اما در اصطلاح، فهم برآیند یک عملیات فکری و ذهنی است؛ بدین ترتیب که ذهن از کنار هم چیدن یکسری معلومات درون ذهنی و یا دیدن و شنیدن اطلاعات برون ذهنی به یک درک و فهم جدیدی نایل می‌شود<sup>۲</sup> که نوعی اثرپذیری از خارج است و با حاضر شدن صورت خارج در ذهن محقق می‌گردد.<sup>۳</sup>

این اصطلاح، در متونی چون متن قرآن، متن حدیث و... زیاد استفاده می‌شود و در این ساحت، به درک، شناخت و کشف مراد و مقصود مؤلف<sup>۴</sup> یا بازتولید و بازسازی ذهنیت و قصد مؤلف در مفسر<sup>۵</sup> گفته شده است. اما این تعریف از فهم متن، تعریفی ایده آل گرایانه است و از واقعیت فهم دور می‌نماید؛ زیرا فهم متن همان فهم معنای متن به همراه فهم مراد مؤلف است که گاه این دو با یکدیگر هم پوشانی دارند و گاه از هم متمایز هستند.

در برخی دیگر از منابع، فهم متن به ترکیب افق معنایی متن با افق معنایی مفسر<sup>۶</sup> تعریف شده است که از فهم مراد متکلم و مؤلف بازمانده است و بیشتر بر فهم مفسر تکیه کرده است؛ حال آن‌که فهم مفسر تنها در محدوده‌ای قابل پذیرش است که با معنای متن و مراد مؤلف تعارض نداشته باشد.

با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی فهم، این واژه به نوعی عملیات فکری اطلاق می‌شود که منجر به درک و شناخت مفهوم می‌گردد. و اگر مفهوم، ماهیتی متنی داشته باشد، شناخت معنای آن و مراد گوینده یا مؤلفش به فهم آن متن منجر خواهد شد.

### ۲-۳. خانواده حدیث

خانواده حدیث به احادیث هم‌مضمون گفته می‌شود<sup>۷</sup> که حول موضوع واحد هستند و با روایت اصلی - که در صدد فهم آن هستیم - ارتباط دارند. این ارتباط می‌تواند از نوع عام و خاص، مطلق و مقید، مجمل و مبین، ناسخ و منسوخ و معارض باشد<sup>۸</sup> که با شناخت

۱. لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۰، ص ۱۵۲۱۰.

۲. «بررسی انتقادی نظام فلسفی هرمنوتیکی گادامر»، ص ۱۵۵.

۳. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۴۸.

۴. «بررسی تطبیقی تفسیر متن از دیدگاه هرمنوتیک و اصول فقه»، ص ۲۰۵.

۵. همان.

۶. «بررسی تطبیقی فهم از دیدگاه گادامر و علامه طباطبایی»، ص ۷۵.

۷. «توجه به خانواده حدیث در آثار معاصرین؛ بررسی دو کتاب میزان الحکمة والحیات»، ص ۲۷.

۸. روش فهم حدیث، ص ۱۳۴-۱۳۳.

نسبت میان آن‌ها با یک دیگر، به فهم دقیق حدیث نزدیک می‌گردیم.<sup>۱</sup> بنابراین، مجموعه احادیث مشابه و مرتبط در موضوعی واحد را خانواده حدیث می‌گویند که منظور از مشابه، احادیثی هستند که با موضوع اصلی یا روایت اصلی وحدت موضوعی دارند و منظور از مرتبط، این است که گاه موضوع حدیث با موضوع اصلی و موضوع روایت اصلی یکسان نیست، اما بدان مرتبط است و نوعی ارتباط مفهومی میان آن دو وجود دارد.

### ۳. مراحل فهم خانواده حدیث

فهم خانواده حدیث به اقتضای ماهیت و ویژگی‌هایش از مسیر مراحل گوناگون و گام‌هایی متعدد عبور می‌کند. در این مراحل و گام‌ها به گونه‌ای منطقی و نظام مند، فهم از تک تک احادیث آغاز می‌شود و با کشف ارتباط‌های مفهومی میان احادیث و رفع تناقض‌های احتمالی به جمع‌بندی مفاهیم به دست آمده از فهم حدیثی و خانوادگی می‌رسد. مراحل و گام‌های فهم خانواده حدیث به شرح زیر قابل توصیف است: «فهم تک تک احادیث»، «فهم بینا حدیثی» و «جمع‌بندی و تحلیل مفاهیم به دست آمده». این مراحل همراه با نمونه کاربردی «خانواده حدیثی ایثار» در ذیل توضیح داده می‌شوند:

#### ۳-۱. فهم تک تک احادیث

اولین مرحله از روش فهم خانواده حدیث، فهم حدیثی در برابر فهم بینا حدیثی است که بر تک تک احادیث به صورت مستقل و جدا جدا تعلق می‌گیرد. برای فهم حدیثی لازم است گام‌های زیر برداشته شوند:

#### ۳-۱-۱. تجزیه جمله‌ای

اولین گام در فهم تک تک احادیث، جمله‌بندی حدیث و تجزیه جمله‌ای آن است که در احادیث چند جمله‌ای انجام می‌شود و احادیث تک جمله‌ای از این گام بی‌نیاز هستند. این کار مبتنی بر این دلیل است که فهم حدیث چند جمله‌ای به صورت یک جا امری دشوار و احتمالاً محال است و با غفلت و بی‌توجهی نسبت به برخی مفاهیم همراه است؛ گوا این که حدیث معصوم معمولاً مشتمل بر مفاهیم متعدد و متنوع است و بررسی یک باره آن نمی‌تواند همه مفاهیم آن را یکجا و یکسره کشف نماید.

۱. «نقش خانواده حدیث در فهم متون نهج البلاغه»، ص ۶۵.

بنابراین، در گام نخست، حدیث به جمله‌های مستقل معنادار تجزیه می‌شوند. منظور از جمله مستقل معنادار، عبارت و گزاره‌ای است که همه اجزای جمله را، اعم از «مسند و مسند الیه»، «مبتدا و خبر» یا «فعل و فاعل و مفعول»، شامل باشد و معنایی کامل و مستقل را به مخاطب انتقال دهد؛ به عنوان مثال، احادیث خانواده ایشان در ذیل تجزیه جمله‌ای می‌شوند:

جمله‌ها	حدیث
تک جمله‌ای	الإیثار أعلى الإحسان.
جمله ۱: الإیثار أحسن الإحسان. جمله ۲: أعلى مراتب الإیمان.	الإیثار أحسن الإحسان وأعلى مراتب الإیمان.
تک جمله‌ای	الإیثار غاية الإحسان.
تک جمله‌ای	الإیثار أشرف الإحسان.
تک جمله‌ای	الإیثار أشرف الكرم.
جمله ۱: الإیثار أعلى مراتب الكرم. جمله ۲: أفضل الشیم.	الإیثار أعلى مراتب الكرم، وأفضل الشیم.
جمله ۱: الإیثار سجية الأبرار جمله ۲: شيممة الأخيار.	الإیثار سجية الأبرار، وشيممة الأخيار.
تک جمله‌ای	الإیثار أفضل عبادة وأجل سيادة.
تک جمله‌ای	الإیثار زينة الزهد.
تک جمله‌ای	الإیثار فضيلة، الاحتكار رذيلة.
تک جمله‌ای	من أحسن الإحسان الإیثار.
تک جمله‌ای	أفضل السخاء الإیثار.
تک جمله‌ای	كفى بالإیثار مكرمة.
تک جمله‌ای	من أفضل الاختيار التحلى بالإیثار.
تک جمله‌ای	من شيم الأبرار حمل النفوس على الإیثار.
جمله ۱: عامل سائر الناس بالإنصاف. جمله ۲: عامل المؤمنین بالإیثار.	عامل سائر الناس بالإنصاف، وعامل المؤمنین بالإیثار.

## ۳-۱-۲. مفهوم‌گیری تک‌تک جملات

پس از تجزیه جمله‌ای، این امکان فراهم است که حدیث از جمله نخستش به ترتیب، مفهوم‌گیری شود. منظور از مفهوم‌گیری این است که همه مفاهیم و پیام‌های قابل استنباط از جمله‌ها یادداشت گردد.<sup>۱</sup> در مفهوم‌گیری جملات، لازم است نکات زیر مورد توجه باشد:

- توجه به موضوع: در همان ابتدای مفهوم‌گیری، لازم است موضوع جمله شناسایی شود. منظور از موضوع، حوزه و حیطة‌ای است که جمله در آن حوزه بحث می‌کند. تعیین موضوع کمک می‌کند تا فضا و بستر مفهوم‌گیری مشخص شود و ذهن دچار پراکنده‌گویی نشود و در حوزه‌ای مشخص مفهوم‌گیری را پیش گیرد.

- توجه به همه واژه‌ها و ترکیبات: با توجه به دقت و حساسیت بالای متن حدیثی، لازم است همه واژه و ترکیبات به کار رفته در حدیث مورد معنایابی و مفهوم‌گیری واقع شوند. به کارگیری این درجه از دقت باعث می‌شود که هر واژه و ترکیب از دو حیث ساختاری و معنایی بررسی می‌شوند. منظور از حیث ساختاری، وجه صرفی و نحوی واژه و ترکیبات است که می‌تواند در تعیین معنا اثرگذار باشد و منظور از حیث معنایی، وجه لغوی واژه و ترکیبات است که دو معنای وضعی و استعمالی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

- توجه به واژه‌های غریب: هر جمله‌ای می‌تواند دارای واژه‌های دشوار و غریب باشد که شناسایی معنای آن‌ها در مفهوم‌گیری اثرگذار است.

- توجه به واژه‌های کانونی: هر جمله‌ای به فراخور موضوعش، حامل واژه‌های کانونی است.<sup>۲</sup> واژه کانونی به واژه‌ای گفته می‌شود که بیشترین ارتباط را با موضوع جمله برقرار می‌کند و بیشترین مفهوم را در موضوع مشخص شده به دست می‌دهد. این واژه، نقش محوری و پایه‌ای نسبت به دیگر واژه‌ها دارد و با همه واژه‌ها ارتباط مفهومی برقرار می‌کند. فایده توجه به واژه‌های کانونی این است که این واژه‌ها در فرآیند مفهوم‌گیری، بیشتر مورد توجه باشند و ارتباط آن‌ها با دیگر واژه‌ها تبیین شود.

- توجه به قواعد فقه الحدیثی: از دیگر نکات مهم در مفهوم‌گیری، توجه به قواعدی است که در فهم حدیث اثرگذار هستند؛ زیرا این قواعد، خارج از معنای ابتدایی حدیث، مفهومی جدید از حدیث به دست می‌دهند.

۱. رک: روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، ص ۶۵.

۲. رک: «بررسی تناسب معنایی آیات ۱۹-۱۶ سوره قیامت»، ص ۱۶۹.



به عنوان مثال، چندی از احادیث خانواده حدیثی ایثار با رعایت قواعد و نکات پیش‌گفته در جدول زیر مفهوم‌گیری می‌شوند:

مفاهیم	حدیث
<p>ایثار به معنای برتری دادن<sup>۱</sup> و مقدم داشتن دیگری بر خود<sup>۲</sup> در امور دنیا و آخرت<sup>۳</sup> است. ارزشمندی<sup>۴</sup> و شرافت<sup>۵</sup> در مقابل پستی<sup>۶</sup> است و مکارم جمع «مکرمه» است.<sup>۷</sup></p> <p>با توجه به روایت «انسی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق»، مکارم خود قله است و ایثار در بلندای این قله جای می‌گیرد.</p> <p>مکارم درجه بندی و سلسله مراتب دارد؛ یعنی مشگک است.</p>	<p>«الإیثار أعلى المکارم»</p>
<p>جمله ۱: نحوه رفتار با سایر، انصاف است ریشه و ماده «نصف» در زبان عربی به معنای نیمه<sup>۸</sup> و بخش مساوی<sup>۹</sup> است.</p> <p>انصاف به معنای رضایودن به نصف و نیم<sup>۱۰</sup> و دادن و گرفتن حق<sup>۱۱</sup> است.</p> <p>جمله ۲: نحوه رفتار با مؤمن، ایثار است ایثار اطلاق ندارد.</p> <p>ایثار به معنای گذشت از حق خود و دادن آن به مؤمن است.</p>	<p>عامل سائر الناس بالإنصاف و عامل المؤمنین بالإیثار.</p>

۱. الصحاح، ج ۲، ص ۵۷۵؛ لسان العرب، ج ۴، ص ۷؛ مجمع البحرین، ج ۳، ص ۱۹۷.
۲. معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۵۳.
۳. تفسیر السلمی، ج ۲، ص ۳۱۸.
۴. معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۱۷۱-۱۷۲.
۵. العین، ج ۵، ص ۳۶۸.
۶. الصحاح، ج ۵، ص ۲۰۱۹.
۷. لسان العرب، ج ۱۲، ص ۵۱۲.
۸. العین، ج ۷، ص ۱۳۲.
۹. الصحاح، ج ۴، ص ۱۴۳۲.
۱۰. معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۴۳۲.
۱۱. لسان العرب، ج ۹، ص ۳۳۲.

## ۳-۱-۳. کشف ارتباط مفهومی میان جملات

گام سوم در مرحله نخست، این است که جملات مختلف در حدیث واحد با هم مقایسه شوند تا ارتباط مفهومی میان آن‌ها روشن گردد. این اقدام برای مبنا انجام می‌شود که نظر به وحدت موضوعی و غایی جملات مختلف در هر حدیث، میان آن‌ها ارتباط مفهومی وجود دارد و همین ارتباط مفهومی است که جملات را در مسیری واحد قرار می‌دهد تا موضوع و غایت حدیث را تأمین کنند. به تعبیر معناشناسانه، جملات هم‌نشین در یک حدیث، در اثر هم‌نشینی با یکدیگر ارتباط معنایی برقرار می‌کنند و این ارتباط معنایی در فهم حدیث اثرگذار خواهد بود.

در کشف ارتباط مفهومی میان جملات، ارتباط میان همه جملات با یکدیگر تبیین می‌شود. این ارتباط را می‌توان با پاسخ به سؤال «چرا این جمله کنار جمله بعدی قرار گرفته است؟» پیدا کرد؛

به عنوان مثال، مفاهیم به دست آمده از روایت «عامل سائر الناس بالإنصاف، و عامل المؤمنین بالإيثار» عبارت‌اند از:

مردم دو گروه هستند: سائر و مؤمن. این دسته‌بندی، محوریت ایمان را در دسته‌بندی مردم نشان می‌دهد و بیان‌گراهمیت آن در سبک زندگی انسانی است. تقدم سائر بر مؤمن، تقدم کمی است نه کیفی؛ بدین معنا که واژه «سائر الناس» به جهت برخورداری از جمعیت بالا برواژه «مؤمن» پیشی گرفته است؛ هر چند این دسته از مردم به جهت کیفی و نوع سبک زندگی از مردم ایمانی عقب‌تر هستند.

## ۳-۱-۴. مفهوم‌گیری همه جملات در یک نگاه

پس از مفهوم‌گیری‌های جمله‌ای و ارتباطی، لازم است همه جملات حدیث در یک نگاه خوانده شوند تا اگر مفهومی باقی مانده است، کشف گردد. ضرورت نگاه دسته‌جمعی به همه جملات حدیث، از آن رو انجام می‌شود که نگاه دسته‌جمعی و یکباره به همه جملات، می‌تواند پیام کلی و غرض نهایی حدیث را روشن کند که این پیام و غرض در گام‌های قبل، احتمالاً خودش را نشان ندهد.

به عنوان مثال، از نگاه کلی به همه جملات حدیث «عامل سائر الناس بالإنصاف، و عامل المؤمنین بالإيثار»، این مفهوم برداشت می‌شود: معامله لازم و ضروری است و عزلت از تجارت و معامله پسندیده نیست. لذا انزوای از جامعه و کنار گذاشتن تجارت و داد و ستد

رفتاری ناپسند شمرده می شود.

### ۲-۳. فهم بینا حدیثی

پس از فهم هریک از احادیث عضو در خانواده، در مرحله دوم، لازم است خانواده حدیث به فهم بینا حدیثی گذاشته شود. منظور از فهم بینا حدیثی، این است که ارتباط های موجود میان احادیث خانواده بررسی شود. این ارتباط ها می توانند از نوع تأکیدی، تبیینی، تعلیلی یا احیاناً تعارضی باشند. از این رو، خانواده حدیث در دو گام مورد فهم قرار می گیرد:

#### ۱-۲-۳. کشف ارتباط مفهومی میان احادیث

احادیث عضو در یک خانواده با یکدیگر تشابهات و تناسباتی دارند که آن ها را زیر سایه یک خانواده گرد آورده است. این تشابهات و تناسبات می توانند مفاهیمی جدید تولید کنند که به فهم جامع و دقیق حدیث کمک می رسانند. برای کشف تشابهات و تناسبات میان احادیث، لازم است همه احادیث با یکدیگر در دو سطح ذیل مقایسه شوند:

- سطح لفظی: منظور از سطح لفظی، این است که واژگان و گزاره های مشترک میان احادیث شناسایی شوند و با یکدیگر مقایسه گردند. این اقدام بدین جهت انجام می شود که واژه ها و گزاره های مشترک در هر حدیث، حامل معنایی برآمده از سیاق همان حدیث (معنای سیاقی) هستند که این معانی سیاقی همدیگر را تکمیل، تبیین و تعلیل خواهند کرد.

- سطح معنایی: در سطح معنایی، واژه ها و عبارات متفاوت، اما مترادف یا قریب المعنی با هم مقایسه می شوند. این مقایسه می تواند معانی و مفاهیم جدیدی به دست دهد؛ زیرا واژه ها و عبارات مترادف در سیاق های گوناگون، ابعاد و جوانب مختلفی از موضوع مورد نظر را روشن می سازند. از نگاه معناشناسانه، واژه ها و گزاره های مترادف یا قریب المعنی به کار رفته در چند حدیث، با یکدیگر ارتباط جانشینی برقرار می کنند و ارتباط جانشینی می تواند مفاهیم جدیدی را تولید کند که ابعاد، مؤلفه ها و ویژگی های مختلفی از واژه های حدیثی را به دست می دهند؛<sup>۱</sup> چنان که دو واژه جانشین اگر چه انطباق کامل معنایی ندارند، ولی توانایی هم پوشانی در بخش هایی از مؤلفه های معنایی یکدیگر را دارا هستند.<sup>۲</sup>

به عنوان نمونه، از مقایسه حدیث «الإیثار أعلی الإحسان» با حدیث «الإیثار سجیة الأبرار و

۱. رک: «دالات های معنایی نگاره سرومبتنی بر رابطه جانشینی، همنشینی و بافت موقعیت»، ص ۸۴-۷۸.

۲. «مطالعه حوزه های معنایی صبر در آیات قرآن»، ص ۱۴۲.

شیمه الأخیار» مفهوم زیرقابل استنباط است:

جانشیننی «اعلی» با «شیمه» نشان می‌دهد که «شیمه» به معنای ویژگی درونی عمیق است، نه یک ویژگی صوری، بیرونی و سطحی؛ زیرا بناست به وسیله ایثار، بالاترین مکارم به دست آید. از همین رو، در کتب لغت، واژه «شیمه» به معنای اخلاق<sup>۱</sup> قلمداد شده است؛ زیرا اخلاق انسان در درون انسان سکنا می‌گزیند و «انشیام» به معنای «داخل شدن در چیزی» است.<sup>۲</sup> همچنین برخی از اهل لغت، معنای طبیعت،<sup>۳</sup> غریزه و سرشت<sup>۴</sup> را برای واژه «شیمه» در نظر گرفته‌اند که مؤید درونی بودن و جبلی بودن آن است.

### ۲-۲-۳. علاج تعارضات احتمالی میان احادیث

خانواده حدیث، به جهت اشتغال بر احادیث متعدد، محتمل وقوع تعارض است. در صورت پیدایش تعارض بین احادیث خانواده، لازم است با استفاده از راهکارهای حل تعارض، اعم از جمع، ترجیح و کنارگذاشتن، رفع تعارض نمود.

به عنوان مثال، در خانواده حدیثی ایثار، برخی تعبیریه کاررفته در این خانواده با برخی تعبیر از دیگر احادیث ظاهراً تعارض می‌کنند؛ برای نمونه، تعبیر «الإیثار أفضل عبادة» است که ظاهراً با تعبیری چون «أفضل العبادة عفة البطن والفرج»، «أفضل العبادة العفاف»،<sup>۵</sup> «أفضل العبادة إيمان التفكر في الله وفي قدرته»،<sup>۶</sup> «أفضل العبادة قول لا اله إلا الله ولا حول ولا قوة إلا بالله»،<sup>۷</sup> «أفضل عبادة المؤمن انتظار فرج الله»،<sup>۸</sup> «أفضل العبادة العلم بالله»<sup>۹</sup> و «حبنا أهل البيت أفضل عبادة»<sup>۱۰</sup> تعارض می‌کند؛ زیرا در همه این روایات، تعبیر «افضل» در معنای صفت عالی به کاررفته است و امکان جمع صفت عالی در چند موصوف مختلف وجود ندارد؛ زیرا صفت عالی تنها بر یک موصوف تعلق می‌گیرد و آن موصوف را در صفت مذکور

۱. العین، ج ۶، ص ۲۹۳؛ الصحاح، ج ۵، ص ۱۹۶۴.

۲. معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۲۳۶.

۳. لسان العرب، ج ۱۲، ص ۳۲۹.

۴. مجمع البحرین، ج ۶، ص ۱۰۰.

۵. الکافی، ج ۲، ص ۷۹.

۶. همان، ص ۵۵.

۷. المحاسن، ج ۱، ص ۲۹۱.

۸. همان.

۹. همان، ص ۲۹۰-۲۹۱.

۱۰. همان، ص ۱۵۰.

برترین مفهوم یا برترین موجود توصیف می‌کند.

در این تعارض، چند مفهوم «ایشار»، «عفت بطن و شکم»، «عفاف»، «استمرار تفکر در خدا»، «ذکر لا اله الا الله و حوقله»، «انتظار فرج»، «علم به خدا» و «حب اهل بیت» به عنوان برترین عبادت یاد شده است. برای رفع تعارض، لازم است به نکات زیر توجه شود:

مفاهیم مذکور چند مفهوم با ماهیت‌های مختلف هستند. برخی از آن‌ها چون ایشار، عفت و عفاف ماهیت رفتاری دارند و برخی چون استمرار تفکر، انتظار فرج و علم ماهیتی بیشتر با ماهیتی بینشی ظاهر می‌شوند و مفاهیمی مانند ذکر ماهیتی زبانی دارند. لذا می‌توان هر یک از این مفاهیم را در دسته ماهیت خود به عنوان برترین مفهوم قلمداد کرد.

اما با این وجود، باز میان مفاهیمی چون ایشار، عفت و عفاف - که ماهیتی رفتاری دارند - یا مفاهیمی چون استمرار تفکر، انتظار فرج و علم - که ماهیتی بینشی دارند - تعارض واقع می‌شود. برای رفع این تعارض، باید گفت که احادیث ناظر به شرایط مخاطب و شرایط جامعه خود صادر می‌شدند و چنانچه شرایط مخاطب و جامعه اقتضا می‌کرده که رفتاری یا بینشی به عنوان برترین رفتار یا بینش یاد شود تا مخاطب و جامعه بدان سوتمایل و گرایش پیدا کنند، آن رفتار یا بینش به عنوان برترین رفتار یا برترین بینش معرفی می‌شده است. در واقع، این برتری، نوعی برتری نسبی است که نسبت به همان شرایط مخاطب و جامعه قابلیت صدق پیدا می‌کند.

آخرین نکته قابل توجه، این است که در میان احادیث مذکور، تنها حدیث «انتظار الفرّج» به واژه «مؤمن» مقید شده است و انتظار فرج را برترین عبادت مؤمن برشمرده است. این قید نشان می‌دهد که انتظار فرج نسبت به دیگر مفاهیم مذکور از جایگاه بالاتری برخوردار است. با توجه به نکات پیش گفته، ایراد مطرح شده تبیین شد و تعارض ظاهری برطرف گردید.

### ۳-۳. جمع‌بندی و تحلیل مفاهیم به دست آمده

در طی دو مرحله پیش، مفاهیم موجود در خانواده حدیث رونمایی شدند. اما این مفاهیم، صرفاً مفاهیم جداگانه و ناپیوسته هستند که نیازمند ترتیب، سامان‌دهی و تبدیل آن‌ها به متن پیوسته و معنادار هستند. در این مرحله، مفاهیم استنباط شده در دو مرحله قبل طی سه گام ذیل به متن پیوسته و معنادار تبدیل می‌شوند:

#### ۳-۳-۱. موضوع‌گذاری همه مفاهیم

گام نخست، این است که همه مفاهیم موضوع‌گذاری شوند.<sup>۱</sup> منظور از موضوع‌گذاری،

۱. رک: روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، ص ۱۰۸.

این است که موضوع همه مفاهیم مشخص شود. موضوع‌گذاری را می‌توان در سامانه سه موضوعی «چیستی»، «چرایی» و «چگونگی» انجام داد. در این سامانه، موضوعات مربوط به چیستی موضوع با عنوان «چیستی» موضوع‌گذاری می‌شوند. موضوعات مربوط به چرایی موضوع با عنوان «چرایی» موضوع‌گذاری می‌گردند و موضوعات مربوط به چگونگی تحقق موضوع با عنوان «چگونگی» موضوع‌گذاری می‌شوند.

منظور از چیستی، مفاهیم مربوط به چیستی و ماهیت موضوع است که ذیل عناوین معنای لغوی، معنای اصطلاحی، عناصر معنایی، مترادفات و متضادها قابل جاگذاری است. منظور از چرایی، مفاهیم مربوط به چرایی و ضرورت موضوع است که ذیل عناوین اهمیت و ضرورت، علت‌ها، دلایل، حکمت‌ها، فواید، آسیب‌ها، پیامدها، عوارض و عواقب قابل جاگذاری است.

و منظور از چگونگی، مفاهیم مربوط به چگونگی تحقق موضوع است که ذیل عناوین روش‌ها و راهکارها، مراحل و گام‌ها قابل سامان دهی است.

به عنوان نمونه، احادیث خانواده حدیثی ایثار در سامانه «چیستی، چرایی و چگونگی» موضوع‌گذاری می‌شوند:

موضوع	مفهوم
چیستی	ایثار به معنای تقدم دیگران بر خود است.
چیستی	مکارم از ماده «کرم» جمع «مکرمه» به معنای شرافت، نجابت، بزرگواری است که در مقابل پستی و خواری به کار می‌رود.
چیستی	با توجه به روایت «انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق»، مکارم خود قله است و ایثار در بلندای این قله جای می‌گیرد.
چیستی	مکارم درجه‌بندی و سلسله مراتب دارد؛ یعنی مشکک است.
چرایی	ایثار بالاترین احسان است.
چرایی	ایثار بالاترین درجه ایمان است.
چرایی	ایثار بالاترین عبادت است.
چگونگی	نحوه رفتار با مؤمن، ایثار است.
چگونگی	نحوه رفتار با سایر، انصاف است.
چگونگی	مردم دو گروه هستند: سائر و مؤمن.

### ۲-۳-۳. جاگذاری مفاهیم در موضوع خود

پس از موضوع‌گذاری لازم است مفاهیم هم موضوع کنار هم قرار گیرند؛ بدین صورت که مفاهیم مربوط به چیستی کنار یکدیگر جای می‌گیرند و مفاهیم مربوط به چرایی با هم یک دسته را تشکیل می‌دهند و مفاهیم موضوع‌گذاری شده با عنوان چگونگی در دسته‌ای دیگر جای می‌گیرند. سپس در دسته چیستی، مفاهیم مربوط به معنای لغوی، معنای اصطلاحی، مترادفات، متضادها و عناصر معنایی از یکدیگر تفکیک می‌شوند. همین اقدام برای دسته چرایی و چگونگی انجام می‌شود و موضوعات در نظام خرده موضوع‌ها تفکیک می‌شوند.

### ۳-۳-۳. تنظیم و ترکیب مفاهیم هم موضوع با یکدیگر

پس از این‌که هر مفهومی در موضوع خود قرار گرفت، زمینه برای اجرای گام سوم فراهم می‌آید که مفاهیم هم موضوع در متنی پیوسته، منطقی و معنادار تنظیم و ترکیب شوند. منظور از متن پیوسته و معنادار، متنی است که گزاره‌های گوناگون را به نظمی منطقی درآورده است و آن‌ها را پشت سرهم چیدمان داده است.

برای تبدیل مفاهیم مربوط به موضوع چیستی به متن پیوسته، می‌توان از الگوی معنای لغوی، معنای اصطلاحی، مترادفات، متضادها و عناصر معنایی استفاده کرد. در این الگو، نظم منطقی رعایت شده است و مفاهیم به صورت منطقی و معنادار پشت سرهم چیدمان یافته‌اند. نیز برای تبدیل مفاهیم مربوط به موضوع چرایی به متن پیوسته، می‌توان از الگوی اهمیت و ضرورت، علت‌ها، حکمت‌ها، فواید و آسیب‌ها استفاده نمود. در بخش چگونگی، الگوی روش‌ها و راهکارها، مراحل و گام‌ها می‌تواند در تبدیل مفاهیم هم موضوع به متن پیوسته یاری رساند.

برای نمونه، به عبارات زیر - که از ترکیب و تلفیق مفاهیم هم موضوع در خانواده حدیثی ایشار به دست آمده است - اشاره می‌شود:

### ۱-۳-۳-۳. چیستی

ایشار در لغت از ریشه «اثر» و به معنای برگزیدن و ترجیح دادن به کار می‌رود. معنای اصطلاحی این واژه عبارت است از: تقدم دیگران بر خود و گذشت از حق خود و دادن حق خود به مؤمن. این از خودگذشتگی است که انسان را به بالاترین درجه مکارم ارتقا می‌دهد. قابل ذکر است که منظور از مکارم، همان شرافت، نجابت و بزرگواری است که انسان را به قله رشد و کمال انسانی برده و ستیغ این قله با ایشار فتح می‌شود. پس مکارم از مفاهیم مشکک

است و مراتب و درجات گوناگونی دارد که از بالاترین مراتب آن، ایثار است.

### ۳-۳-۲. چرایی

ایثار به عنوان فضیلتی برجسته همواره مورد توجه انسان‌ها بوده است؛ زیرا ایثار بالاترین درجه ایمان است و انجام آن، انسان را به بالاترین درجات ایمانی فراز می‌دهد. وانگهی، انسان برای انجام ایثار، بارقه، بلکه انباشته‌ای از ایمان را لازم دارد تا بتواند خود را مجاب به انجام ایثار نماید. وقتی بدین کار دست زد و در میدان ایثار قدم گذاشت، او به بالاترین احسان‌ها نایل آمده است و هر انسانی، فطرتاً داوطلب انجام بهترین احسان است. انسان ایثارگر در مقام عبادت، بالاترین عبادت‌ها را تحقق بخشیده است و به بالاترین مقامات عبادی دست یافته است؛ زیرا او در صحنه عبادات اجتماعی - که ارزشی بیش از عبادات فردی را به دست می‌دهند - پیشگام شده و ارزشمندترین عبادات اجتماعی را عملی ساخته است.

### ۳-۳-۳. چگونگی

بنا بر آنچه گذشت، ایثار از فضایل برجسته در اخلاق اسلامی است. بنابراین، احراز آن می‌تواند با دشواری و سختی همراه باشد و نحوه به کارگیری آن با دقایق و حساسیت‌های ویژه همراه است. در روایات پیش‌گفته، چند گزاره درباره چگونگی ایثار موجود بود که نحوه به کارگیری ایثار را به ما نشان می‌داد.

ایثار در مقابل مؤمن به کار گرفته می‌شود و با غیر مؤمن، از در انصاف برخورد می‌شود؛ زیرا تنها مؤمن ظرفیت، صلاحیت و شایستگی ایثار را داراست و غیر مؤمن به جهت معرفتی و رفتاری دارای این ظرفیت و صلاحیت نیست و از ایثار سوءاستفاده خواهد کرد. بنابراین ایثار، در آموزه‌های دینی، آموزه‌ای مطلق معرفی نشده است و برای همه به کار گرفته نمی‌شود. از گزاره‌های به دست آمده از روایات، می‌توان نتیجه گرفت که برای استفاده از آموزه ایثار، باید مخاطب‌شناسی کرد و ایثار را برای کسی استفاده کرد که ظرفیت و صلاحیت آن را دارا باشد و از فرصت ایثار سوءاستفاده نکند.

### ۴. نتیجه‌گیری

با توجه به مطالعه انجام شده روی خانواده حدیث و روش فهم آن، گزاره‌های زیر قابل نتیجه‌گیری است:



فهم خانواده حدیث به جهت ویژگی‌های خاصش چون تعدد احادیث، تنوع مفاهیم، تشابه و تناسب موضوعی، جامعیت و ... نیازمند روش و شیوه‌ای خاص است. در روش فهم خانواده حدیث، هم تک تک احادیث مورد فهم قرار می‌گیرند و هم فهم بیناحدیثی احراز می‌شود که جامعیت قابل توجهی به روش می‌بخشد که فهم بیناحدیثی در روش‌های پیشین مورد توجه نبود.

روش فهم خانواده حدیث شامل سه مرحله است: فهم تک تک احادیث، فهم بیناحدیثی، جمع‌بندی مفاهیم به دست آمده.

در مرحله نخست، چهار گام لازم به اجرا است: «تجزیه جمله‌ای»، «مفهوم‌گیری تک تک جملات»، «کشف ارتباط مفهومی میان جملات» و «مفهوم‌گیری همه جملات در یک نگاه». دو گام «تجزیه جمله‌ای» و «کشف ارتباط مفهومی میان جملات» از نوآوری‌های این روش است که یافته‌های نوینی از احادیث را فرادست می‌نهد. این یافته‌ها می‌توانند در حل مسائل جدید و امروزیین کارآمد و گره‌گشا باشند.

در مرحله دوم، دو گام برداشته می‌شود: «کشف ارتباط مفهومی میان احادیث» و «علاج تعارضات احتمالی». این دو گام از نوآوری‌های روش مذکور است و جامعیت و دقت این روش را دوچندان می‌سازد.

در مرحله سوم، سه گام «موضوع‌گزاری همه مفاهیم»، «جاگذاری مفاهیم در موضوع خود» و «تنظیم و ترکیب مفاهیم هم موضوع با یکدیگر» انجام می‌گردد. استفاده از سامانه «چیستی، چرایی و چگونگی» تا اندازه زیادی ابعاد و جوانب موضوع را رونمایی می‌کند و نظم و نظام خاصی به روش می‌بخشد.

روش مذکور جهت فهم خانواده حدیث بر مبنای و پیش فرض‌های محکمی چون «برخورداری ائمه علیهم‌السلام از فصاحت و بلاغت زبانی»، «لزوم بازیابی خانواده حدیث»، «امکان و ضرورت فهم حدیث»، «تدوین موضوعی خانواده‌ای جوامع حدیثی» و ... استوار است. این مبانی اعتبار و حجیت روش معرفی شده را تا اندازه زیادی تأمین می‌کنند.

با استفاده از روش سه مرحله‌ای مذکور، می‌توان همه مفاهیم موجود در خانواده حدیث را شناسایی کرد و آن‌ها را با استفاده از سامانه «چیستی، چرایی و چگونگی» در متن‌ها و محتوایی پیوسته و معنادار ارائه داد.

روش مذکور با بررسی ارتباط میان جملات و احادیث هم خانواده، مفاهیم قابل توجهی را به دست می‌دهد که در حل مسائل جدید کارآمدند.

## کتابنامه

- قرآن کریم.
- تفسیر السلمی، عبدالرحمان سلمی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۱ق.
- دانش نامه قرآن و حدیث، محمد محمدی ری شهری و همکاران، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم: دارالحدیث، ۱۳۹۰ش.
- درس نامه روش ها و گرایش های تفسیر قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲ش.
- روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، محمدعلی لسانی فشارکی و حسین مرادی زنجانی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۶ش.
- روش فهم حدیث، عبدالهادی مسعودی، تهران: سمت، ۱۳۸۴ش.
- الصحاح، اسماعیل بن حماد جوهری، تحقیق: أحمد عبد الغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ق.
- العین، خلیل فراهیدی، تحقیق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، بی جا: مؤسسه دار الهجرة، ۱۴۱۰ق.
- فرهنگ علوم اجتماعی، آلن بیرو، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: کیهان، ۱۳۷۵ش.
- فقه الحدیث ۱، عبدالهادی مسعودی، قم: دارالحدیث، ۱۳۹۸ش.
- فقه الحدیث ۳، عباس پسندیده، قم: دارالحدیث، ۱۳۹۸ش.
- فلسفه علم و متدولوژی، محمود نوالی، تبریز: دانشگاه تبریز، ۱۳۹۳ش.
- قرآن شناسی، محمدتقی مصباح یزدی، قم: مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۰ش.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۵ش.
- لسان العرب، محمد بن منظور، قم: أدب الحوزة، ۱۴۰۵ق.
- لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، تهران: مؤسسه لغت نامه دهخدا، ۱۳۷۷ش.
- مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، علی دلاور، تهران: رشد، ۱۳۸۰ش.
- مبانی و روش های تفسیر قرآن کریم، سیدمحمدعلی ایازی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۸ش.
- مجمع البحرين، فخرالدین طریحی، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۲ش.

- المحاسن، احمد بن محمد برقی، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۰ش.
- معجم مقاییس اللغة، احمد ابن فارس، تحقیق: عبد السلام محمد هارون، قم: مكتبة الإعلام الإسلامي، ۱۴۰۴ق.
- منطق فهم حدیث، سید محمد کاظم طباطبایی، قم: مؤسسه امام خمینی، ۱۳۹۰ش.
- المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبایی، بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۳۹۰ش.
- «بررسی انتقادی نظام فلسفی هرمنوتیکی گادامر»، ابوالفضل ساجدی و مهدی سرلک، کلام اسلامی، ش ۸۵، ۱۴۹-۱۷۴، ۱۳۹۲ش.
- «بررسی تطبیقی تفسیر متن از دیدگاه هرمنوتیک و اصول فقه»، محمود شربتیان و حسین داورزنی، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره سوم، ش ۱، ۱۹۷-۲۱۰، ۱۳۹۶ش.
- «بررسی تطبیقی فهم از دیدگاه گادامر و علامه طباطبایی»، محمد فاکر میبدی و محمد باقر فرضی، مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث، ش ۷، ۵۵-۸۰، ۱۳۹۵ش.
- «بررسی تناسب معنایی آیات ۱۹-۱۶ قیامت»، سیف علی زاهدی فر، مطالعات تفسیری، ش ۲۹، ۱۶۱-۱۷۰، ۱۳۹۶ش.
- «توجه به خانواده حدیث در آثار معاصرین؛ بررسی دو کتاب میزان الحکمة و الحیات»، علی رضا رجبی، کتاب ماه دین، ش ۱۹۱، ۲۷-۳۸، ۱۳۹۲ش.
- «دلالت های معنایی نگاره سرو مبتنی بر رابطه جانشینی، همنشینی و بافت موقعیت»، زهرا پارساپور و حسین لبانی مطلق، پژوهش های بین رشته ای ادبی، ش ۶، ۶۱-۸۸، ۱۴۰۰ش.
- «مطالعه حوزه های معنایی صبر در آیات قرآن»، رضا امانی و زهره عبادی و صدیقه رضایی، پژوهش نامه معارف قرآنی، ش ۲۵، ۱۳۳-۱۵۶، ۱۳۹۵ش.
- «نقش خانواده حدیث در فهم متون نهج البلاغه»، مهدی مردانی، حدیث حوزه، ش ۱، ۶۵-۷۷، ۱۳۸۹ش.